

بررسی قاعدهٔ تسامح در ادلهٔ سنن، از نگاه شهید ثانی

محمد هادی جمالی*

چکیده

با مروری بر ابواب گوناگون فقه، به خوبی روشن می‌شود فتاوی بسیاری از فقیهان به استحباب اموری فراوان، مبتنی بر قاعده تسامح در ادله سنن است. این قاعده در اثبات احکام غیرالزامی از قبیل مستحبات، استناد به روایات نامعتبر را در صورتی که علم به کذبشان نداشته باشیم، بلا مانع می‌داند. البته اعتبار و کارایی آن و همچنین شمول و گسترهٔ آن از مباحث اختلافی بین فقهاء می‌باشد. شهید ثانی که از پایه‌گذاران مکتب فقهی مبتنی بر شناسایی راویان و سند احادیث در کنار توجه به محتوا می‌باشد، علاوه بر قبول اصل قاعده و کارایی آن، شمول آن را در جمیع ابواب فقهی، مکروهات در کنار مستحبات و غیر آن از قصص و حکایات و مواعظ، پذیرفته است و حتی جریان این قاعده در روایات نقل شده از سوی عامه را نیز می‌پذیرد.

واژگان کلیدی: تسامح، ادله سنن، شهید ثانی، قاعده فقهی، روایت



۱. مقدمه

یکی از مسائلی که در طول تاریخ فقهاء، مورد توجه قرار گرفته است، بحث از اخبار من بلغ می‌باشد. اخباری با مضمون اینکه اگر یک خبر ضعیفی منسوب به پیامبر یا یکی از معصومین، حامل وعده پاداش بر انجام عملی باشد و شخص به قصد حصول پاداش نسبت به انجام آن رغبت کند، در این صورت حتی اگر آن روایت در حقیقت هم از معصوم صادر نشده باشد، شخص به ثواب آن دست پیدا می‌کند.

بعدها بحث از این اخبار، تحت عنوان قاعده تسامح در ادله سنن نمود بیشتری پیدا کرد؛ قاعده‌ای که مبتنی بر این روایات، استناد به روایات غیر معتبر را، مثل اخبار ضعیف، مرسل، منقطع و هرگونه دلیلی که فاقد شرایط حجیت باشد، در جهت اثبات احکام غیرالزامی، جایز می‌داند؛ به تعبیر دیگر طبق این قاعده، می‌توان احکام غیرالزامی را به وسیله اینگونه روایات که از اعتبار لازم را برای استنباط احکام الزام آور برخوردار نیستند هم اثبات کرد. به به همین خاطر است که برخی آن را یکی از شاخه‌های بحث در حجیت خبر واحد قرار داده‌اند.

برخی مدعی شده‌اند که با بررسی دقیق این احادیث و درنگ بیش‌تر در مفاد آن، روشن می‌شود که این احادیث دلالت بر مدعای مشهور ندارند؛ از همین روست که اصل اعتبار این قاعده و شمول به کارگیری آن مورد مناقشه اهل علم قرار گرفته است؛ به اینکه آیا اصلاً این احادیث کارایی لازم را داراست در اثبات احکام غیرالزامی و در صورت پاسخ مثبت، این کارایی در چه حدودی است؟، آیا همه ابواب فقه را دربرمیگیرد؟، آیا شمول آن در کنار مستحبات، مکروهات را نیز شامل می‌شود و در غیر آنها چطور؟؛ و از این دست مباحث...

شهید ثانی، زین الدین بن علی، یکی از سرشناس‌ترین فقهای شیعه در طول تاریخ، از آن دست فقهای است که بسیار در مبانی فقهی اندیشه می‌کرده و قواعد را مورد بررسی دقیق قرار می‌داده است. همه اینها به علاوه شخصیت و جایگاه علمی او در بحث‌های اصولی، حدیثی و رجالی و نگاه‌های تازه‌ای که ارائه کرده و تاثیری که در جریان‌های حدیثی و رجالی پس از خود داشته است، باعث شده که او را صاحب سبک و پایه‌گذار مکتب فقهی دانسته که مبتنی بر شناسایی سند روایت و راویان حدیث در کنار توجه به محتوا و چگونگی به کارگیری آنها در



جریان استخراج احکام و چیره دستی فقیه در این مسائل می‌باشد.

همانطور که بیان شد قاعده تسامح در ادله سنن گستره بسیاری در زندگی بشر پیدا کرده و به سبب تاثیرات اخروی که دارد از اهمیت بالایی برخوردار است. به همین دلیل کتب و پژوهش‌های مختلفی درباره آن صورت گرفته اما هیچ کدام به نحو تطبیقی بر استنباط‌های یک فقیه، نحوه برخورد او با این قاعده و مبانی او نپرداخته است. پس نگارنده بر آن شد تا به بررسی این قاعده مهم از نگاه یکی از بزرگ‌ترین فقهای شیعه یعنی شهید ثانی پرداخته و اصل اعتبار آن و شمول این قاعده را از نگاه ایشان مورد بررسی قرار داده و در دو فصل، ابتدا به بیان تعریف و سیر تاریخی قاعده پرداخته و سپس به بیان اصل اعتبار آن از نگاه شهید و شمول و حدود آن پردازد.

۲. چپستی قاعده تسامح در ادله سنن

۲.۱. تعریف

تسامح در لغت به معنای تساهل و آسان‌گیری (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۴۸۹) و سنن جمع سنت و به معنای سیره و راه و روش است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳، ص ۲۲۵). در اصطلاح فقهای امامیه سنت به معنای قول، فعل و تقریر معصوم بیان شده (مظفر، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۶۳)؛ لکن گاه در مباحث فقهی تنها در معنای اخص آن که امور مستحبی است به کار برده می‌شود.

قاعده تسامح در ادله سنن را می‌توان در نگاه اولیه بر سه معنای کلی تعریف کرد: (۱) این قاعده بیان می‌دارد که در ادله‌ای که بر مستحبات دلالت می‌کنند، نباید سخت‌گیری کرد و عمل به آنها حتی در صورت ضعف سند مطلوب است؛ طبق این تعریف حکم به استحباب عمل لازمه این قاعده می‌باشد. (۲) این قاعده یعنی اگر یک دلیل ضعیف بر استحباب عملی دلالت می‌کند، حکم به استحباب آن عمل کنیم، حتی اگر آن خبر ضعیف را حجت ندانیم. طبق این تعریف از قاعده تسامح، استحباب به عنوان یک عنوان ثانوی اثبات می‌شود (مانند عنوان احتیاط) و با حجیت خیر ضعیف کاری ندارد. (۳) قاعده تسامح یعنی انجام دادن هر عملی که احتمال مطلوبیت در آن باشد، خوب است، البته با توجه به اینکه عمل به آن باید به امید رجاء و ثواب باشد و نه استحباب. بر اساس این معنا نه حجیت خبر ضعیف اثبات می‌شود و نه استحباب یک عمل؛ بلکه یک معنای عامی است و همه دیدگاه‌های موجود در باب تسامح در



ادله سنن را در بر می‌گیرد. همه فقیهان قاعده تسامح را با این تعریف قبول دارند (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۳ش، ص ۹).

۲، ۲. سبیر تاریخی

ادله اثبات این قاعده و شمول آن همیشه مورد بحث فقهاء، اصولیون و محدثین در طول تاریخ بوده است، هر چند که به طور صریح و مستقل آن را مورد بررسی قرار نداده باشند. شیخ طوسی خبر واحد را در مستحبات آسان تر از حلال و حرام‌ها می‌پذیرفت. (طوسی، ۱۳۶۴ش، ج ۶، ص ۲۰)، از زمان سید بن طاووس عمل به روایاتی که در باب مستحبات وارد شده است شیوع بیشتری پیدا کرد. سید بن طاووس روایات مشهور به روایات من بلغ را دلیلی بر پذیرفتن مرسلات و عدم احتیاج به ذکر اسناد روایات وارد شده در سنن می‌دانست (سید ابن طاووس، ۱۴۰۶ق، ص ۱۱ و ۱۲). محقق حلی نیز روایاتی را که در باب مستحبات و سنن و آداب وارد شده است را از دسته روایاتی می‌دانست که نیازی به بحث در اسنادها نیست (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴۸ و ۲۶۹). این نحو برخورد با روایات و بحث درباره آن تا آنجا ادامه پیدا کرد که تحت یک قاعده واحد با عنوان تسامح در فضیلت‌ها و تسامح در ادله سنن قرار گرفت. به نظر می‌رسد اولین کسی که اصطلاح تسامح را برای این دسته از روایات و ادله به کار برد، شهید اول بود. «أن أخبار الفضائل يتسامح فيها عند أهل العلم» (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۴)؛ و آنطور که پیداست اولین کسی که آن را با عنوان تساهل و تسامح در ادله سنن به کار برده است شهید ثانی است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۳۷۷ و شهید ثانی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۶۶ و شهید ثانی، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۱۱۲). اندیشیدن بسیار در مبانی فقهی و نگاه‌های تازه این شخصیت در حدیث و رجال موجب شده تا دیدگاه‌های او بسیار مورد توجه و او را صاحب سبک و موثر در جریان‌های فقهی، اصولی، حدیثی و رجالی پس از خود بدانند. او پایه‌گذار مکتب فقهی بر پایه چیره دستی در سند روایت و راویان حدیث در کنار توجه به محتوا و چگونگی به کارگیری آنها در جریان استخراج احکام است. همین امر باعث شده است تا در ادامه به بررسی شمول و گستره قاعده تسامح در ادله سنن از نگاه شهید ثانی و تطبیق آن بر استنباط‌های او و بیان مثال‌هایی بپردازیم.



۳. شمول قاعده تسامح و بررسی نظرات شهید

۳.۱. در مستحبات و مکروهات

اولین سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا به واسطه قاعده تسامح در ادله سنن تنها مستحبات اثبات می‌شوند یا اینکه شمول این قاعده مکروهات را نیز در بر می‌گیرد؟

با واکاوی متون فقهی دانسته می‌شود که علاوه بر مستحبات در بسیاری موارد بر پایه این قاعده حکم به کراهت برخی امور شده است (نجفی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۶۹ و ج ۳، ص ۷۰ و ج ۱۷، ص ۱۱۹ و ج ۱۸، ص ۴۲۶ و خوانساری، بی تا، ج ۱، ص ۲۸). کما اینکه میرزای قمی پس از نقل حکم کراهت از شیخ طوسی و محقق حلی و ابوالصلاح حلبی در باب رکوع نمازگزار در حالی که دستانش زیر لباسش است، می‌نویسد: از این فقهاء در باب این حکم کراهت مستند واضح و روشنی یافت نشد؛ لکن پیروی از آنان در آن چیزهایی که در دلایلش تسامح می‌شود، مانعی ندارد (قمی، بی تا، ج ۲، ص ۵۷۸) و همچنین تصریح می‌کند که شکی نیست در اینکه مستحبات و مکروهات، از آن اموری هستند که در ادله آنها امکان تسامح وجود دارد (قمی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۲). نراقی هم در کتب اصولی خود مانند شرح تجرید الاصول، مناهج، اساس الاحکام و مفتاح الاحکام به تبیین جواز تسامح در مستحبات و مکروهات پرداخته است (نراقی، ۱۳۷۵ش، ص ۷۹۳). شهید ثانی هم از این قاعده مستثنی نیست و در مواردی در بیان حکم مکروهات از این قاعده استفاده کرده است.

شهید ثانی در نوزدهمین از آداب تجارت روضه البهیه بیان می‌دارد که صحرا نشین و یا روستا نشین ناآشنا، متاعی را که از محل خود برای فروختن به شهر می‌آورد، کراهت دارد برای شهر نشین که نزد او رفته و وکیل او شود که متاع او را به قیمت گران بفروشد. البته این کراهت را منوط به دو شرط می‌کند. دلیل کراهت روایتی است که از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که حضرت نهی از آن کار فرموده است. برخی از فقهاء نهی در حدیث مزبور را حمل بر حرمت نموده‌اند (چون اصل در نهی، حرمت است)؛ اما شهید ثانی می‌فرماید: اگر سند آن حدیث، صحیح باشد، قول به حرمت نیکوست و اما اگر سندش ضعیف باشد، بهتر همان حکم به کراهت است؛ چون در دلیل کراهت فقهاء تسامح می‌کنند و با دلیل ضعیف هم می‌توان اثبات کراهت نمود (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۹۶). همچنین شهید در بحث حداد زوجة و اینکه



بعد از وفات زوج باید از زینت خودداری کند آورده است که برخی از عامه حداد برای غیر زوج بیشتر از سه روز را حرام می‌دانند و استناد می‌کنند به قول پیامبر ﷺ که فرمودند: «لا یحل لأمرأة تؤمن بالله و الیوم الآخر أن تحد علی میت فوق ثلاث لیل إلا علی زوج أربعة أشهر و عشرًا» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۷۶). شهید ثانی می‌گوید برای اثبات کراهت بیش از سه روز می‌توان به این روایت استناد کرد به دلیل تساهل در ادله کراهت همانند سنت و مستحبات اما از آن جایی که در ثبوت خبر شک هست نمی‌توان آن را حمل بر تحریم کرد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۲۸۰). شهید در باب اطعمه و اشربه ذیل مسائلی به مساله حرمت ۱۵ بخش از حیوان ذبح شده می‌پردازد و در انتهای می‌فرماید که متیقن اینها در بحث حرمت آنها می‌باشند که به دلیل خارجی مثل خون حرام می‌باشند اما باقی نیازمند دلیلی برای حرمت‌اند و اصل عدم حرمت آنهاست و آنچه که در روایات وارد شده است می‌تواند مستند کراهت واقع شود به دلیل آسان‌گیری در ادله کراهت به خلاف تحریم (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۳۱۱).

۳.۲. در غیر مستحبات و مکروهات

یکی از مسائل اختلافی در این قاعده گستره آن به غیر مستحبات و مکروهات است. نراقی می‌نویسد: تسامح تنها مخصوص به مستحبات و مکروهات بوده و شمول این قاعده به غیر آن از قصص و وعظ و تعزیه تعدی و سرایت نمی‌کند. یعنی نمی‌توان به مدلول و مفاد و محتوای آن اخبار ضعیفی که در این مسائل وارد شده است حکم کرد، آنطور که در مسائل شرعی به مستحب بودن و مکروه بودن حکم می‌کنند؛ چرا که ادله‌ای که در باب اثبات تسامح در ادله سنن ذکر کردیم عمومیت نداشته و شامل این موارد نمی‌شوند (نراقی، ۱۳۷۵ش، ص ۷۹۳). اما شهید ثانی نظری مخالف با نراقی دارد؛ ایشان می‌فرماید: اکثر علماء عمل به خبر ضعیف را در قصص و حکایات و مواعظ و فضائل اعمال جایز می‌دانند، به خلاف صفات خداوند متعال و احکام حلال و حرام، که در اینها جایز نمی‌دانند؛ بعد ایشان می‌فرماید که این نظر خوبی است به شرط اینکه خبر ضعیف، آثار کذب و ساختگی بودن را نداشته باشد. و در آنجا دلیل خود برای اثبات قاعده تسامح در ادله سنن را روایات ذکر می‌کند. روایاتی مثل روایت پیامبر که از طریق خاصه و عامه نقل شده است که فرمودند: «من بلغه عن الله تعالی فضیلة، فاخذها و عمل بها



فیها، ایانا بالله و رجاء ثوابه، اعطاء الله تعالى ذلك، و ان لم یکن كذلك». (ابن فهد، ۱۴۰۷ق، ص ۴) و همچنین روایت هشام بن سالم از ابی عبدالله علیه السلام که فرمودند: «من سمع شیئا من الثواب علی شیء فصنعه، کان له اجر و ان لم یکن علی ما بلغه» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۸). شیخ انصاری در شرح کلام شهید ثانی می گوید: مقصود از اخبار ضعیف در قصص و مواعظ، نقل آنها و شنیدن آنها و ضبط و ثبت آن در قلب و ترتیب اثر بر آنها است؛ مگر درباره واجبات و محرمات (که به محتوای خبر ضعیف عمل نمی شود). شیخ ادامه می دهد: عمل بر هر چیزی بر حسب همان چیز است و این یک امر وجدانی است و قابل انکار نمی باشد؛ این قاعده شامل حکایت فضائل اهل بیت علیهم السلام و مصائبشان هم می شود و مقصود از عمل، اخبار به وقوع آنهاست بدون اینکه نسبت داده شود به اینکه حکایت به حد اخبار از طرق معتبر رسیده است. مثل اینکه بگوییم امیرالمومنین اینگونه نماز می خواند و اینگونه می گریست؛ اینکه بگوییم بر سیدالشهدا این چنین مصائبی وارد شد. البته این عمل به این اخبار در آن دسته از اخباری که کذب است و علم به کذب وجود دارد صحیح نیست، هر چند که نقل آنها خالی از اشکال باشد؛ چرا که نقل کذب، کذب نیست. البته باید دقت شود که در هنگام حکایت اخبار کاذبه، بیان شود که اینها کذب اند و بدون آن عدم جواز بعید نیست. و در ادامه شیخ ادله خود را برای عمل به این اخبار و تسری قاعده تسامح در ادله سنن به این اخبار، ذکر می کند (انصاری، ۱۴۱۴ق، ص ۱۵۸).

۳، ۳. در عبادات و معاملات

ظاهر این است که هیچ فرقی در قاعده تسامح در ادله سنن بین عبادات و معاملات (عقود و ایقاعات) و سایر احکام نیست (نراقی، ۱۳۷۵ش، ص ۷۹۴)؛ و اگر روایت ضعیفی در هر کدام از این ابواب باشد می توان حکم به کراهت یا استحباب نمود. همچنین تفاوتی روشنی وجود ندارد که مفاد این روایت ضعیف، عملی مستقل باشد مانند نماز یا روزه یا دعاء و یا اینکه استحباب یا کراهت شیئی در اثناء عبادتی باشد؛ چه اینکه جزء آن باشد یا شرط آن یا اینکه بر وجه تقیید باشد. اما اگر احتمال برود که مفاد روایت منافی با عبادتی است، در اینجا تسامح جایز نیست (نراقی، ۱۳۷۵ش، ص ۷۹۵). ظاهر این است که در این مورد که تسامح در ادله سنن شمولش همه ابواب فقهی را در می گیرد، هیچ اختلافی بین قائلین به تسامح نیست (المجاهد، بی تا، ص ۳۵۰).



شهید ثانی نسبت به این مساله تصریحی ندارد اما از استنادهای او به این قاعده در کتبش دانسته می‌شود که او نیز موافق با همین قول است و شمول قاعده تسامح همه ابواب فقهی را در بر می‌گیرد؛ به ذکر مثال‌هایی می‌پردازیم.

۳، ۳، ۱. نمونه‌هایی از کاربرد قاعده در عبادات، از سوی شهید ثانی

علامه حلی در ارشاد الاذهان شب عید فطر را به عنوان یکی از شب‌هایی که غسل در آن مستحب است ذکر می‌کند؛ شهید ثانی در شرح آن می‌نویسد که این استحباب را شیخ مفید و شیخ طوسی ذکر کرده و از حسن بن راشد نقل می‌کنند که روایت کرده است: «اذا غربت الشمس ليلة العید فاغتسل»؛ لکن حسن بن راشد از کسانی است که نجاشی در رجال خود او را تضعیف کرده است. شهید ثانی می‌نویسد که این غسل مشهور بین فقهاء نیست لکن استحباب آن از باب تسامح در ادله سنن منعی ندارد (شهید ثانی، ۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۶۱).

شهید ثانی در بحث حج و ممنوعیت صید در حج، در شرح کلام محقق حلی که گفته است: کفاره‌ای برای صید درندگان نیست؛ چه اینکه چهارپا باشند و چه اینکه از پرندگان باشند، نوشته است که مراد از عدم کفاره، نفی تحریم صید درندگان است و اصلاً قول قوی هم همین است که مطلقاً صید درندگان مانعی ندارد؛ به دلیل ضعف روایات دال بر وجوب کفاره. البته می‌توان روایات وجوب کفاره صید درندگان را حمل بر استحباب کرد به دلیل تسامح در ادله‌ای که مستحبات را اثبات می‌کنند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۴۱۰).

همچنین ذیل بحث حج و مستحبات قبل از احرام، محقق حلی ذکر می‌کند که غسل قبل از احرام مستحب است و یک قولی هست که اگر آب نیافت، تیمم کند. شهید ثانی در شرح این مطلب می‌آورد که قول استحباب تیمم به جای غسل قبل از احرام در صورت عدم وجود آب را، شیخ طوسی و جماعتی همچون ابن براج ذکر کرده‌اند؛ اما مصنف یعنی محقق حلی به دلیل عدم وجود نص توقف کرده است و صرفاً به صورت یک قیل آن را بیان می‌کند. شهید ادامه می‌دهد که مقصود و غرض از غسل استحبابی، نظافت بدن است؛ چرا که حدثی به واسطه آن غسل رفع نمی‌شود؛ فلذا این غرض به واسطه تیمم حاصل نمی‌شود. البته این که شرع در جاهایی تیمم را بدل از غسل قرار داده و عموم قول پیامبر که می‌فرمایند: الصعید طهور المؤمن،



موجب تقویت این قول می‌شود. فلذا مانعی از تیمم در اینجا بدل از غسل وجود ندارد چرا که در ادله و مدارک سنن، تسامح و آسان‌گیری می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۲۸).

شهید در بحث جواز صوم استحبابی برای مسافر ذکر می‌کند که اخبار صحیح‌های دلالت بر منع از صوم در سفر دارد؛ بدون اینکه آنها را تقیید به واجب زده باشد که صوم مستحبی از ذیل مصادیق آن خارج شود. اما از سویی هم اخبار مرسله‌ای داریم که دلالت بر جواز صوم مستحبی در سفر دارد؛ بسیاری از اصحاب برای جمع بین این روایات، روایات اول را حمل بر کراهت کرده‌اند و اینگونه بر مفاد اینها عمل کرده‌اند. شهید در اینجا ذکر می‌کنند از آنجا که در ادله سنن، تسامح می‌شود و طبق حدیث من بلغ، کسی که چیزی از اعمال خیر به او برسد و عمل کند، دارای ثواب خواهد بود، می‌توان روایات اول را حمل بر کراهت کرد و اینگونه منافی با اصل استحباب هم نخواهد بود (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۷).

شهید در بیان طریقه اداء صلاة اعرابی بیان می‌کند که صلاة اعرابی، ده رکعت است همانند نماز صبح، ظهر و عصر در کیفیت و ترتیب خواندن و وقت آن روز جمعه در هنگام بالا آمدن روز است. البته برای این صلاة، طریقی در اخبار ما به اثبات نرسیده است الا اینکه از باب تسامح در ادله سنن این طریق از خواندن این صلاة را می‌پذیریم (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۳۸).

۳، ۳، ۲. نمونه‌هایی از کاربرد قاعده در معاملات، از سوی شهید ثانی

شهید در کتاب النکاح در شروط عقد می‌نویسد: حضور دو شاهد در نکاح دائم مطلقاً شرط نمی‌باشد؛ همچنین اذن ولی نیز در نکاح رشیده شرط نیست، هر چند که بهتر است بنا بر نظر مشهور تر. برخلاف ابن عقیل که این دورا از شروط عقد می‌داند و به روایتی استناد می‌کند که شهید سند آن روایت را ضعیف و تنها برای حکم به استحباب مناسب می‌داند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۱۲).

همچنین شهید ثانی در کتاب النکاح در بحث مهر بیان می‌دارد که مکروه است، میزان مهریه از میزان مهر السنه که میزان مهر حضرت رسول در ازدواج هایشان بوده است، تجاوز کند و بیشتر شود؛ و میزان آن ۵۰۰ درهم است. و در آنجا قول سید مرتضی علیه السلام را ذکر می‌کند که فتوا داده است به اینکه ممنوع است بیشتر بودن مهر از میزان مهر السنه و اگر بیشتر از این مقدار



باشد باید بازگردانده شود. شهید ذکر می‌کند که استناد سید مرتضی به اجماع و یک حدیثی است که از نظر شهید ضعیف است، فلذا این نظر را نپذیرفته و بیان می‌دارد که تنها به واسطه این خیر ضعیف استحباب اکتفا به میزان مهر السنه ثابت می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۳۴۴).

در بحث کفاره وطی در حالت حیض با تعمد، شهید ذکر می‌کند که قول به وجوب کفاره با استناد به یک سری روایات ضعیف السنه است و بیان می‌کند که اصح این است که کفاره را مستحب بدانیم به دلیل تسامح در ادله سنن (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۳۱).

نوزدهمین از آداب تجارت که شرح آن گذشت در بحث اثبات قاعده تسامح در مکروهات با این شرح که کراهت داشت برای شهر نشین که به نزد بادیه نشینی برود که متاع خود برای فروختن به شهر آورده و وکیل به او بشود برای اینکه متاع او را به قیمت گران تر بفروشد؛ که بیان شد که شهید ذکر کردند که اگر سند روایت، ضعیف باشد، بهتر حکم به کراهت است؛ به دلیل تسامح در ادله سنن (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۹۶).

۳.۴. بحثی در سند روایت

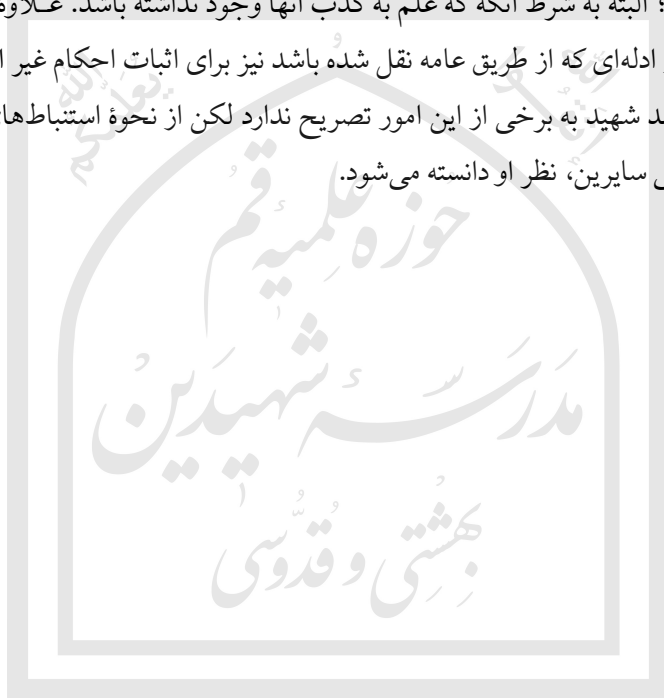
در روایتی که در آن تسامح می‌شود برای اثبات مستحبات و مکروهات، آیا شرط است که از طریق شیعه روایت شده باشد یا به تمامی روایاتی که کذب آنها مشخص نیست، اعتنا می‌شود؟ ظاهر این است که به همه روایاتی که علم به کذب آنها نباشد، در مسأله تسامح در ادله سنن اعتنا می‌شود (برقی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵). شهید ثانی، نسبت به این مسأله تصریحی ندارد لکن از موارد استفاده او از قاعده تسامح در غیر روایات شیعی دانسته می‌شود که او نیز همین نظر را پذیرفته است؛ کما اینکه بیان شد شهید در بحث حداد زوجه و خودداری از آن بعد از وفات زوج قول عامه را ذکر می‌کند که گفته‌اند حداد برای غیر زوج بیشتر از سه روز حرام است و استناد آن‌ها به قولی از پیامبر است که بخاری آن را نقل می‌کند و شهید تنها استناد به این حدیث را برای اثبات کراهت معتبر می‌داند از باب تسامح در ادله سنن (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۲۸۰).

۴. نتیجه

در بررسی سیر تاریخی قاعده تسامح در ادله سنن واضح می‌شود که قاعده تسامح که مبتنی است بر آن دسته از روایات که در اصطلاح اصولیون و فقهاء به احادیث من بلغ مشهور است،



طبق نظر مشهور معتبر بوده و بر طبق آن می‌توان در سند احکام غیرالزامی آسان‌گیری کرده و به واسطه اخبار نامعتبر هم احکام غیرالزامی مثل مستحبات و مکروهات را اثبات کرد؛ شهید ثانی به عنوان اولین کسی که اصطلاح تسامح و تساهل در ادله برای این دسته از استنباط‌ها به کار برد، نه تنها اصل این قاعده را معتبر دانسته و آن را برای همه ابواب فقه ثابت می‌داند بلکه برخلاف برخی شمول آن را حتی در غیر مستحبات و مکروهات از فضائل و حکایات و مواعظ، جریان می‌دهد؛ البته به شرط آنکه که علم به کذب آنها وجود نداشته باشد. علاوه بر آن شهید ثانی تسامح در ادله‌ای که از طریق عامه نقل شده باشد نیز برای اثبات احکام غیرالزامی کافی می‌داند. هر چند شهید به برخی از این امور تصریح ندارد لکن از نحوه استنباط‌های او و شروح او بر کتب فقهی سایرین، نظر او دانسته می‌شود.





فهرست منابع

۱. ابن فهد، احمد، ابن محمد (۱۴۰۷ق). *عدة الداعی و نجاح الساعی* (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العربی
۲. ابن منظور، محمد، ابن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب* (چاپ سوم). بیروت: دار صادر
۳. انصاری، مرتضی، ابن محمد امین (۱۴۱۴ق). *رسائل فقهیة*. قم: مجمع الفکر الإسلامی
۴. البخاری، محمد، ابن اسماعیل (۱۴۲۲ق). *صحیح البخاری* (چاپ اول). بیروت: دار طوق النجاة
۵. برقی، احمد، ابن محمد (بی تا). *المحاسن*. قم: دارالکتب الإسلامیة
۶. خوانساری، حسین (بی تا). *مشارق الشموس*. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام
۷. سید بن طاووس، علی، ابن موسی (۱۴۰۶ق). *فلاح السائل و نجاح المسائل* (چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات
۸. شهید اول، محمد، ابن مکی (۱۴۱۹ق). *ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة* (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام
۹. شهید ثانی، زین الدین، ابن علی (۱۳۷۹ش). *رسائل الشہید الثانی*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه
۱۰. _____ (۱۳۸۰ش). *روض الجنان فی شرح ارشاد الأذهان* (چاپ اول). قم: بوستان کتاب قم
۱۱. _____ (۱۴۰۸ق). *الرعاية فی علم الدراية*. قم: مکتبه آية الله المرعشي العامة
۱۲. _____ (۱۴۱۰ق). *الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية* (چاپ اول). قم: مکتبه الداوری
۱۳. _____ (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام*. قم: مؤسسه معارف الإسلامیة
۱۴. طوسی، محمد، ابن حسن (۱۳۶۵ش). *تهذیب الأحكام فی شرح المقنعة للشیخ المفید* (چاپ چهارم). تهران: دارالکتب العلمیة



۱۵. فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۳ش). *قاعده تسامح در ادلهٔ سنن* (چاپ اول). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام
۱۶. قمی، المیرزا ابوالقاسم (بی تا). *مناهج الأحكام فی مسائل الحرام و الحرام*. قم: انتشارات اسلامی جامعهٔ مدرسین
۱۷. کلینی، محمد، ابن یعقوب (۱۴۰۳ق). *اصول الکافی* (چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الإسلامیة
۱۸. المجاهد، السید محمد (بی تا). *مفاتیح الأصول*. بی نا
۱۹. محقق حلی، جعفر، ابن حسن (۱۴۰۷ق). *المعتبر فی شرح المختصر* (چاپ اول). قم: مؤسسهٔ سیدالشهداء
۲۰. مظفر، محمدرضا (۱۴۱۵ق). *اصول الفقه*. قم: بوستان کتاب
۲۱. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۳ش). *جواهر الکلام* (چاپ ششم). تهران: دار الکتب الاسلامیة
۲۲. نراقی، احمد، ابن محمدمهدی (۱۳۷۵ش). *عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه